



ویروس شود سبب

خیر

صدیقه بهمن پور

کارشناس مطالعات رسانه



مثال، وقتی در کنار مادر بزرگم هستم و به جای استفاده از فوت و فن‌های آشپزی ایشان به دستورات اینترنت عمل می‌کنم، امید و انگیزه را در او کاهش می‌دهم، یا وقتی به جای اعتماد به مسیری که پدر بزرگم پیشنهاد می‌دهد به مسیر یاب اینترنتی اعتماد می‌کنم، باعث نوعی احساس دل‌سردی در ایشان می‌شوم.

همین مسئله بین معلم‌ها و دانش‌آموزان نیز وجود دارد و باعث شکل‌گیری جنگی

نامحسوس و ناخودآگاه میان آن‌ها شده است. دانش‌آموزان روش‌های خسته‌کننده آموزش معلمان را نمی‌پسندند و احساس می‌کنند وقتشان در مدرسه و محیط آموزشی اجباری هدر می‌رود. از طرف دیگر، معلمان نیز تلاش می‌کنند به شیوه‌های مختلف، دانش‌آموزان را نیازمند مطالب آموزشی نشان دهند. در این میان، نوعی جنگ بر سر بقا شکل می‌گیرد و آموزش صحیحی که باید اتفاق بیفتد،

انجام نمی‌پذیرد. دانش‌آموزان مثل همیشه

مجبورند متون کتاب‌های درسی را حفظ کنند و بعد از نمره گرفتن در امتحان، همه را فراموش می‌کنند. نتیجه‌اش

ایجاد تغییر در نظام آموزش و پرورش مسئله‌ای است که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت در سراسر دنیا قرار گرفته است. یکی از اصلی‌ترین مسائلی که پژوهشگران را به ایجاد تحول در نظام آموزشی حاکم بر دنیا تحریک می‌کند، پیشرفت سریع فناوری است.

با پیشرفت فناوری، نسل جدید و جوان خود را به سرعت با امکانات جدید سازگار می‌سازد و با روحیه پژوهشگری که در ذات هر انسانی وجود دارد، راه‌های جدید آموختن و شناختن و درک دنیای اطراف خویش را پیدا می‌کند. در عصر حاضر، خردسالان از حدود دو سالگی استفاده از تلفن همراه و ابزارهای فناورانه را به طور تجربی می‌آموزند؛ در حالی که یادگیری استفاده از این ابزارها برای والدین و معلمان به مراتب دشوارتر است. همین مسئله به مرور باعث تغییر جایگاه کودک و والدین یا کودک و معلم می‌شود. در واقع، کودکان، نوجوانان و جوانان دسترسی بیشتری و راحت‌تری به اطلاعات پیدا می‌کنند و به اندازه نسل‌های قبل برای یادگیری به والدین و مربیان وابسته نیستند.

مثال‌های بارزی که شخصاً در این حوزه مشاهده کرده‌ام، بی‌نیازی از یاد گرفتن آشپزی، دوخت و دوز و سایر راه و چاه‌های زندگی است که قبل‌تر والدین به کودکان می‌آموختند.

نزاع دو نسل برای بقا

شاید جوان‌ها سرخوش از بی‌نیازی به بزرگ‌ترها در جامعه پیش‌تازی کنند اما واقعیت این است که پیشرفت فناوری احساس غربت خاصی در بزرگ‌ترها به وجود آورده است. برای

می‌شود نسلی که سال‌های طولانی در مدرسه و دانشگاه حاضر می‌شود. تعدادی از همین دانش‌آموزان، بعدها معلم می‌شوند و به همین شیوه نسل مشابهی را تحویل جامعه می‌دهند.

آیا کرونا می‌تواند تغییری در نظام آموزشی ایجاد کند؟

آیا شما دانش‌آموزی را می‌شناسید که عاشق مدرسه رفتن با هدف تحصیل علم و دانش باشد؟ به بیان دیگر، در میان شاگردانی که داشته‌اید، چند نفر را می‌شناسید که نه از ترس بی‌سواد ماندن، نه به خاطر یادگیری برای رفتن به دانشگاه و پیدا کردن شغل، و نه برای بودن در محیطی که هم‌سن‌وسالانش هم در آنجا هستند به مدرسه بیاید؟ چند دانش‌آموز را به خاطر دارید که هر روز به هوای آموختن مطلبی نو به مدرسه بیاید؟ سال‌هاست تلاش‌های بی‌وقفهٔ دوستان پژوهشگرم را در حوزهٔ تعلیم‌وتربیت شاهدیم. شاهدیم

که تا حدودی موفق شده‌اند نیاز به تغییر در آموزش‌وپرورش را فقط در تعداد محدودی از معلمان و مربیان داوطلب به ایجاد تغییر ایجاد کنند. شاهدیم که این تغییرات در مدارس تجربی محدودی، در اندازه‌های کوچک و با تعداد دانش‌آموزان کم، قابل تجربه و اجرا بوده است و شاهدیم که هنوز چالش‌های زیادی برای ایجاد یک تغییر کلان در سطح کشور بر سر راهشان قرار دارد. چنین نبوده که آموزش‌وپرورش خود را از این تغییرات بی‌نیاز بداند یا با ایجاد این تغییرات مخالف باشد اما ایجاد ناگهانی تغییراتی به این وسعت، به شورش می‌ماند که ممکن است در مدت زمانی کوتاه تلفات زیادی به جا

گذارد.

اما شرایط جدیدی که به‌طور ناگهانی بر دنیا حاکم شده، فرصتی ایجاد کرده است که بتوان در روش‌های آموزش‌وپرورش بازنگری دقیقی کرد و در شرایطی که کرونا شورش‌ناخواسته ایجاد کرده و باعث خانه‌نشینی دانش‌آموزان و معلمان زیادی شده است، راه‌های آموزشی جدیدی را آموخت و تجربه کرد. در واقع، تغییری که سال‌ها در نظام آموزش‌وپرورش به دنبال ایجاد آن



با پیشرفت فناوری، نسل جدید و جوان خود را به سرعت با امکانات جدید سازگار می‌سازد و با روحیهٔ پژوهشگری که در ذات هر انسانی وجود دارد، راه‌های جدید آموختن و شناختن و درک دنیای اطراف خویش را پیدا می‌کند

بودیم، در شرایط کرونایی می‌تواند به راحتی اتفاق بیفتد؛ به شرط آنکه تعصبات آموزشی سابق را نداشته باشیم.

روش‌های آموزش کرونایی در حال حاضر چگونه‌اند؟

به محض تعطیلی مدارس، آموزش و پرورش با تدبیری عالی، کلاس‌های حضوری را به سرعت به تلویزیون منتقل کرد. این سازگاری با شرایط جدید قابل تقدیر است اما واقعیت این است که از این فرصت کرونایی استفاده چندانی نشده است. آموزش‌ها همان سبک آموزش‌های کلاسی را دارند؛ دانش‌آموزان باید بدون امکان گفت‌وگو با معلمان، درس‌ها را بیاموزند و حفظ کنند تا پس از برطرف شدن احتمالی شرایط کرونایی، باز هم امتحان بدهند. در مدارس غیرانتفاعی، معلم‌ها برای دانش‌آموزان تکلیف می‌فرستند و بین والدین و فرزندان جنگ بر سر انجام دادن تکلیف در می‌گیرد.

چه راهکارهایی وجود دارد؟

در واقع، کرونا این فرصت را برای ما مهیا کرده است تا ببیندیشیم و با تلفات کمتری امتحان کنیم که چگونه می‌توان در نظام آموزشی تغییرات بزرگی ایجاد کرد. این مقاله کوتاه فرصت تحلیل و بررسی و تشریح راهکارهایی برای ایجاد تغییر را نمی‌دهد اما در آن برای نمونه، تعدادی از این راهکارها معرفی شده‌اند تا معلمان و مسئولان حوزه تعلیم و تربیت به روش‌هایی خلاقانه‌تر برای آموزش و پرورش بیندیشند.

مثلاً حالا که تلویزیون مکانی برای آموزش عمومی شده است، آیا می‌توان بخشی از درس‌های ریاضی را که کمتر به درد زندگی دانش‌آموزان می‌خورند، حذف کرد و مهارت‌های کسب و کار را جایگزین آن‌ها نمود؟

آیا می‌توان از کارشناسانی که مسابقه «میدان» را طراحی و اجرا می‌کنند، درخواست کرد که جشنواره‌ای در حوزه کسب و کار، خلاقیت و کارآفرینی برای دانش‌آموزان ایران طراحی کنند؟ آیا دانش‌آموزان مدارس دولتی را که ارتباطشان با مدرسه به کلی قطع شده است، می‌توان از طریق تلویزیون وارد یک روند آموزش دوطرفه کرد؟

آیا می‌توان کلاس‌های آموزشی را از شکل رسمی که در آن معلمان با جدیت تدریس می‌کنند، درآورد و کلاس‌های درس تلویزیونی را به برنامه‌هایی جذاب تبدیل کرد که درس‌گیزانی مثل من هم مشتاق تماشا و یادگیری دوباره بشوند؟

چگونه می‌شود کلاس‌ها را به سمتی سوق داد که در آن‌ها به جای اینکه معلمان بگویند و دانش‌آموزان تکرار و حفظ کنند، معلم به مربی و رهبر کلاس تغییر پیدا کند؟ مربی‌ای که امکانات عصر فناوری را به خوبی می‌شناسد و می‌تواند با سؤال کردن و ایجاد علاقه و انگیزه، دانش‌آموزان را تحریک کند که در این روزهای خانه‌نشینی، سؤال کردن، تحقیق کردن و خلاقیت را بیاموزند و معلم تنها به‌عنوان تسهیلگر و راهنما و مشاور در روند تحقیقات دانش‌آموزان حضور داشته باشد؟

نتیجه اجرای چنین روش‌هایی چه می‌تواند باشد؟

در نتیجه اجرای این روش‌ها دانش‌آموزان زیادی را خواهیم داشت که هر کدام در خانه خود در حال مطالعه، تحقیق و یادگیری مطالبی هستند که به آن‌ها علاقه دارند. از خلاقیت خود استفاده می‌کنند تا در این شرایط، خانه‌ها و مکان‌هایی تفریحی در زیر آب درست کنند؛ جایی که از ویروس کرونا در امان باشند. همچنین، راه‌های جدیدی برای ارتباط با اقوام و دوستانشان کشف کنند؛ راه‌هایی برای ادامه دادن اتفاقات مثبتی که کرونا برایمان رقم زده است. مثلاً راهی برای رهایی از ترافیک و شلوغی و آلودگی شهر، راهی برای بسته ماندن قهوه‌خانه‌ها و جایگزین کردن آن‌ها با خانه‌های رشد و هزاران ایده و فکر و خلاقیت دیگر که حضور در مدرسه، کودکان و نوجوانان را از بیان و کشف و خلق آن‌ها عاجز کرده بود.

به امید روزی که همه علم را طلب کنند، نه اینکه مجبور باشند برای رهایی از حرف مردم، وقتشان را در مدرسه و دانشگاه بگذرانند. علمی که پیامبرمان ما را به آن امر می‌کنند، با طلب، عطش و کندوکاو همراه است؛ «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة»؛ طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است (اصول کافی، ج ۱: ۱۳۸۷).

* پی‌نوشت

۱. کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۳۸۷) اصول کافی. جلد اول. ص ۳۰. موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، قم- ایران



شرایط جدیدی که به‌طور ناگهانی بر دنیا حاکم شده، فرصتی ایجاد کرده است که بتوان در روش‌های آموزش و پرورش بازنگری دقیقی کرد

